

مقایسه تطبیقی آثار رم‌دیوس وارو و گرترودا بر کرومبی در سوررئالیسم بر اساس نگرش هنر فمینیستی و جایگاه آن در تصویرسازی

نسرین کوبکی محمودی / دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر، موسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران.*
kokabinasrin@gmail.com

چکیده

هنر مقوله‌ای چند بعدی است و از جنبه‌های گوناگون می‌توان به موضوعات آن پرداخت. زن به عنوان یکی از موضوعات هنر، با توجه به موقعیتی که در آن قرار می‌گیرد، می‌تواند در جنبه‌های متفاوت هنری قرار گیرد. به عبارت دیگر، در بررسی نسبت بین زن و هنر، زن هم به عنوان آفرینش‌گر اثر هنری یا به مثابه ناظر و مخاطب و ارزیاب محصولات هنری و یا به عنوان موضوع و نماد در آثار هنری مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مقاله با روش مشاهده آثار و تحلیل محتوا، در مورد هنر فمینیسم و جایگاه آن در تصویرسازی سوررئال، با نگاهی به جامعه زنان و میزان آزار و اذیت جنسی و روحی از جانب مردان، آن‌ها را به نقد می‌کشد. تاکید در این پژوهش بر آثار رم‌دیوس وارو و گرترودا بر کرومبی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که از جنبه زیبایی‌شناسی و هنر فمینیستی هیچ‌گاه، هنر زنان به رسمیت شناخته نشده‌است و با سرکوب اندیشه‌های فمینیستی سعی در نادیده گرفتن خلاقیت هنری زنان گردیده‌است.

کلیدواژه‌ها: سوررئالیسم، فمینیسم، زیبایی‌شناسی، زن.

A Comparison of the Works of Remedios Varo and Gertrude Abercrombie in Surrealism is Made based on Their Attitude Towards Feminist Art and Its Place in Imagery

Nasrin Kokabi Mahmoodi / Master student in Art Research, Faculty of Arts, Ferdows Institute of Higher Education, Mashhad, Iran.*

kokabinasrin@gmail.com

Abstract

Art is a multidimensional category and its subjects can be approached from various points of view. As a subject of art, women can be placed in various elements of art, depending on their position. In other words, in the study of the relationship between women and art, women are examined as the creators of the artwork, as the observers, audience, and evaluators of artistic products, or as the subjects and symbols in the paintings. This article criticizes the art of feminism and its place in surreal imagery, looking at women's society and the amount of sexual and mental harassment by men, by observing the works and analyzing the content. Remedios Varo and Gertrude Abercrombie's works are the focus of this research. The results of this research show that in terms of aesthetics and feminist art, women's art has never been recognized and by suppressing feminist ideas, they have tried to ignore women's artistic creativity.

Keywords: surrealism, feminism, aesthetics, woman.

مقدمه

آندره برتون با ادبیات و شعر دنیای سوررئالیسم را به جهان معرفی کرد و هنرمندان خوش ذوق در عرصه نقاشی، آن را با دنیای خود تلفیق کردند و هنری به نام سوررئال را که فراواقع گرایی است، معرفی کردند. این هنر در فرانسه شروع شد و کشورهای دیگر جهان ادامه دهنده آن از قرن نوزدهم به بعد بودند. هنرمندان از دیرباز تاکنون زن را به عنوان یکی از شاخص ترین موضوعات هنری چه در نقاشی و چه در پیکره تراشی، فلزکاری و... الگوی خود قرار دادند. جریان سوررئال در اواخر قرن نوزدهم با جنبش فمینیستی تطابق نظری پیدا کرد و هنرمندان زیادی به خلق آثار نقاشی با عنوان حضور زن و به صورت نمادشناسی پرداختند. بعضی ها که خود حامی این جنبش شدند، از دیدگاه تضاد آن یعنی اذیتها و آزار جنسی و روحی از طرف مردان به زنان را در آثارشان تداعی کردند که گاهی اوقات حیوانات با پرندگان تداعی حضور جنسیت در این آثار بوده است. تا کنون هیچ مقاله ای به بررسی جایگاه و منزلت زن در آثار هنری هنرمندان با نگاه فمینیستی نپرداخته است. از این رو، ضرورت انجام پژوهش حاضر تبیین می شود.

پیشینه پژوهش

محققان آثار و پژوهش هایی در زمینه جایگاه و منزلت زن در آثار هنری هنرمندان به رشته تحریر درآورده اند، اما تاکنون از نگاه فمینیستی و تطابق آثار در زمینه هنری سوررئالیسم در هیچ تالیف و تحقیقی صورت نگرفته است. از این رو، منابع مطالعاتی که می توان به عنوان پیشینه طرح حاضر مطرح کرد، به شرح زیر هستند:

آرناسن در کتاب تاریخ هنر نوین، به طور کامل در مورد هنر سوررئال و معرفی هنرمندان این سبک و بخش های متفاوت از نقاشی، پیکره تراشی و... پرداخته که به طور شاخص به تصویرسازی و نگاه فمینیسمی به آن اشاره ای نکرده است. همچنین سمیع آذر در کتاب هنر فمینیستی *زایش اندیشه های زنانه*، به طور کامل در مورد هنر فمینیستی و زن اشاره کرده، اما به حضور هنرمندان و تطابق آثار هنری سوررئالیسم که در این زمینه خاص فعالیت داشته اند، اشاره ای نکرده است. همین طور می توان به عباسپور اشاره کرد که در پایان نامه خود با عنوان «زیبایی شناسی توهم در نگاه سوررئالیسم»، به صورت فلسفی به مبحث زیبایی شناسی

پرداخته و سوررئال را در یکی از بخش‌ها معرفی کرده، اما اسمی از فمینیسم و تلفیق آن با سوررئال به میان نیاورده‌است.

در این پژوهش، به صورت عمده از منابعی همچون چراغی کوتیانی (۱۳۹۰)، سالکی (۱۳۸۶) و احمدآبادی آرانی، شکاری و احمدی هدایت (۱۳۹۷) استفاده شده‌است.

جایگاه سوررئالیسم در هنر

سوررئالیسم در تاریخ هنر گذشته‌ای طولانی دارد. سوررئالیسم برخلاف گرایش نهیلیستی دادا، نگرشی مثبت داشت. از این جهت، سوررئالیسم تمامی نظریات و روش‌های متنوع نامنسجمی را که ویژگی برجسته آن‌ها نقض تسلط و عقل است، دربرمی‌گیرد. سوررئالیسم به هر نوع خیال‌پروری اصالت هنری می‌بخشد و خلق هنرمند را در بهره‌گیری از برخوردها و برداشت‌های پیش‌بینی نشده و ابداعات نامتعارف آزاد می‌گذارد. از همین‌رو، حاصل کار این هنرمندان بسیار شخصی است. سوررئالیسم نتیجه آشفتگی‌های دنیای معاصر است. نوعی دعوت به طغیان است و فریاد اعتراضی بر ناهماهنگی‌های تمدن جدید و این خود حاصل شرایط پس از جنگ جهانی اول و ادامه جنبش‌های دادائیسم و فوتوریسم است. سوررئالیسم در زندگی غوطه‌ور شده‌است، نه در عالم مجردات. با این همه، به معنی وسیع کلمه نوعی فلسفه است، زیرا جهان‌بینی تازه‌ای را بیان می‌کند و به دنبال کشف راز کیهان است؛ نه این که تجربه‌گرایی ساده باشد. در عین حال، هم عمل است و هم تفکر درباره غایات این عمل سوررئالیستی است، بارها و بارها آندره برتون به مناسبت‌های گوناگون بیان کرده‌است؛ مثلاً آن‌جا که می‌گوید: «من که مطلقاً ناتوانم، سهمی در تعیین سرنوشتی که برایم مقدر شده‌است، داشته باشم. از این که هستی‌ام را با شرایط مضحک همه هستی‌های دیگر تطبیق دهم، خودداری می‌کنم». می‌توان گفت که نطفه همه سوررئالیسم، در این جمله نهفته‌است، زیرا بشر در عین آگاهی به عجز خود در مورد تعیین سرنوشتش، به وجود نیروهای بالقوه در خویشتن آگاه است و می‌داند که اگر به همین زندگی محقر روزمره اکتفا نکند و در راه دستیابی به نیروهای نهفته خویشتن تلاش کند، بی‌تردید به نتایجی خواهد رسید، اما اغلب در مسیر زندگی معمولی‌مان، علائم و اشاراتی از آن نیروها را دریافت می‌کنیم، اما راه استفاده از آن‌ها را نمی‌دانیم. پیش از پیدا کردن راهی که امکان دستیابی به این نیروها را به انسان می‌دهد، سوررئالیست‌ها ناتوانی‌شان را در برابر قوانین زندگی زمینی احساس کرده‌اند (سالکی،

۱۳۸۶: ۱۴). نقاشان سوررئالیست، قصد تلفیق امور معقول و غیر معقول را داشتند و به منظور آفریدن واقعیتی جدید، از حالت‌های رویازدگی، جلوه‌های تصادفی و عوامل تداعی‌کننده جنبه‌های خودانگیختگی که ملاحظات زیبایی‌شناختی و اخلاقی و غیره مانع بروز آن نباشد، بهره می‌گرفتند. از هنرمندان سوررئالیسم، می‌توان خوان میرو، سالوادور دالی، رنه ماگریت و آندره ماسون را نام برد.

سیر تحول تاریخی فمینیسم

ریشه ظهور فمینیسم را شاید بتوان به تحولاتی چون رنسانس و تحولات بعد از عصر روشنفکری و سپس انقلاب فرانسه و انقلاب صنعتی نسبت داد که مناسبات زن و مرد را در بعضی با تمامی جهات مورد سوال قرار داد. اصطلاح فمینیسم تا اواخر قرن نوزدهم وارد نظام واژگانی نشده بود. هر چند پیش از آن، برخی آثار در مورد حقوق زنان به رشته تحریر درآمده بود. اولین آثار فمینیستی را زنان در دهه ۱۶۳۰ نوشتند (Elam, 1995: 92).

انواع گرایش‌های فمینیسم

فمینیسم لیبرال: از جمله پرطرفدارترین گرایش‌های فمینیستی معاصر است. بیش از هر چیز بر برابری زنان و مردان در اجتماع تاکید دارند. به عبارت دیگر، حوزه عمومی برای آنان حائز اهمیت است.

فمینیسم رادیکال: این گرایش فمینیستی از همان ابتدا تکلیف خود را با جامعه مردسالار روشن کرده و ریشه ستم بر زنان را در مردسالاری جست‌وجو می‌نماید.

فمینیسم مارکسیستی: از نظر مارکسیسم، مفهوم طبقه‌کلید درک تمام پدیده‌های اجتماعی از جمله ستم بر زنان است. برخورد مارکسیسم با مسئله زن طبیعتاً با روش ماتریالیسم تاریخی پیوند دارد (تانگ، ۱۳۸۷: ۲۸۵).

فمینیسم روان‌کاو: این گروه می‌کوشند با کاربرد نظریه‌های فروید، پدرسالاری را تبیین کنند

فمینیسم اگزستانسیالیست: ارائه‌تبینی اگزستانسیالیستی درباره‌زنان نخستین‌بار توسط دوبووار صورت گرفت. از نظر او، زیست‌شناسی با تاکید بر تفاوت زیستی میان زن و مرد، واقعیاتی را در اختیار جامعه قرار داد که جامعه از آن‌ها در جهت پیشبرد اهداف پدرسالانه

سود برد. او معتقد است زنانگی از طریق تربیت دردناک زن برای نقش‌های منفعل از نسلی به نسل دیگر تداوم می‌یابد (دوبووار، ۱۳۸۰: ۶۲۳/۲).

فمینیسم سوسیال: متاثر از فمینیسم رادیکال است که بعد از دهه هفتاد شکل گرفت. این گرایش در واقع به نقد ایرادات رویکرد لیبرالی پرداخته و سعی داشته از آن ایرادات دور بماند. بر طبق این دیدگاه، جنس، طبقه، نژاد، سن و ملیت، خود عوامل ستم بر زنان تلقی می‌شوند. این جریان مردسالاری را نظامی فراتاریخی می‌داند.

فمینیسم پست مدرن: تداعی‌کننده مجموعه‌ای از مفاهیم و طرز تلقی‌هایی است که پیرامون زنان و مسائل زنانه وجود دارد که این مفاهیم بعضاً متضاد و متعارض نیز می‌باشند. از نظر این جریان، علت زیر سلطه رفتن زنان، وجود رفتارهایی است که از بدو تولد میان دختر و پسر، تفاوت ایجاد می‌کند.

زیبایی‌شناسی فمینیسم

زیبایی‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه است که فرم‌ها، ارزش‌ها و تجربه هنر را تحلیل می‌کند. زیبایی‌شناسی فمینیستی، بیش از هر چیز با پرسش‌های آن در باب فلسفه هنر و طبقه‌بندی‌های زیباشناختی حاکم بر آن شناخته می‌شود. فمینیست‌ها به طور کلی بر آنند که زبان فلسفه، به رغم ظاهر بی‌طرفانه و فراگیرش، به گونه‌ای بنیادین جنسیت‌مدار است. آنان در پی روشی برای بررسی تاثیر جنین در شکل‌گیری دیدگاه‌های هنری و ارزش‌های زیباشناختی‌اند. محور بحث‌های زیباشناختی فمینیسم تاکید بر زمینه‌های اجتماعی آفرینش‌های هنری است. زیباشناسی فمینیستی، از تاثیر عوامل بیرونی، به خصوص عامل جنسیت در آفرینش‌های هنری سخن می‌گوید.

زن موضوع ساحت‌های سه‌گانه هنری

هنر مقوله‌ای چندساحتی است و از زوایای گوناگون می‌توان به موضوعات آن نگریست. زن به عنوان موضوع هنر، با توجه به موقعیتی که در آن قرار می‌گیرد، می‌تواند برای سه ساحت متفاوت هنری قرار گیرد. به عبارت دیگر، در بررسی نسبت بین زن و هنر، زن هم به عنوان آفرینش‌گر اثر هنری یا به مثابه ناظر و مخاطب و ارزیاب محصولات هنری و یا به عنوان موضوع و نماد در آثار هنری مورد بررسی قرار می‌گیرد. از این‌رو، این بحث هم در فلسفه هنر

و هم در زیباشناسی قابل طرح و بررسی است.

زن به عنوان خالق اثر هنری: زنان به عنوان خالقان آثار هنری، در طول تاریخ کمتر به رسمیت شناخته شده‌اند. این عدم ظهور هیچ ربطی به کاستی توانایی و استعداد زنان ندارد، بلکه شرایط فکری و اجتماعی جامعه به گونه‌ای بوده که فرصت بروز و ظهور استعدادهای هنری را به زنان نمی‌داده‌است.

زن به عنوان ناظر اثر هنری: جریان سنتی در تاریخ هنر، نه تنها به نیروی خلاقیت زنان در آفرینش آثار هنری توجهی نکرده‌است، بلکه در مقام ناظر نیز به قوت و قدرت ادراک زیباشناختی او بهایی نداده‌است.

زن به عنوان موضوع هنر: اندام زن به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد لذت جنسی در آثار هنری استفاده شده‌است.

آثار رمدیوس وارو

رمدیوس وارو (۱۹۰۸-۱۹۶۳) نقاش سوررئالیست اسپانیایی بود. اولین آثار او، شامل خودنگاره و پرتره‌هایی از اعضای خانواده، به سال ۱۹۲۳ بازمی‌گردد؛ زمانی که او مشغول به تحصیل کارشناسی در دانشکده هنر و صنایع دستی بود. وارو در اوج درخشش هنری در ۵۴ سالگی در اثر سکته قلبی درگذشت.



تصویر ۱: غیرمنتظره، (wbur.org)

در تصویر ۱، داخل فضای قلعه، با همراهی مرد و زن و یک حیوان خانگی به تکامل رسیده‌است. در این اثر، بیشترین توجه به رنگ‌های گرم بوده که در سطح زمین، بدن تلفیقی مرد و صندلی زن به صورتی که رنگ در گردش باشد دیده می‌شود. شمع که یکی از علائم نمادین آیین مسیحیت است، در تصویر دیده می‌شود. فضای وهم‌آلود پشت سر مرد و تلفیق انسان با شیء، عجیب بودن فضا را دوچندان کرده‌است و گربه خانگی تصویر که تمامی بدن آن پوشیده از برگ‌های گرم (نارنجی) است، به احتمال زیاد خبر از فصل پاییز و خزان زندگی را می‌دهد. دستی که در

حال فشردن دست زن است، از وجود تسخیر بالاجبار زن که همانند بختکی دور تا دور بدن زن هم چون دست‌ها و پاها را احاطه کرده‌است، خبر می‌دهد و اندام‌واره زن کشیده و بلند و لاغر است.



تصویر ۲: نغمه‌سرای سیار، (wbur.org)

تصویر ۲ فضای سبز داخلی جنگل را نشان می‌دهد که شاهد حضور دو زن و یک مرد و پرندگان هستیم. در این اثر، هم، توجه به رنگ‌های گرم که در لباس مرد و بدن پوشیده شده از پر زن بوده‌است و هم، به رنگ‌های سرد که تمامی جنگل را فراگرفته‌است. در این تصویر، زنی در غالب یک قایق با دم ماهی به تصویر کشیده شده‌است که مردی سوار بر آن، در حال نواختن موسیقی با موهای زن است که نشان از لطافت و پر از احساس بودن زن دارد که با گرفتن موهای زن توسط مرد، به اسارت گرفته شدن زن کاملاً مشهود است و نگاه خیره مرد به زنی است که در داخل درخت پنهان شده‌است و تمامی پرندگان چه آشکارا و چه پنهان شاهد این اسارت فاحش توسط مرد هستند و زن موجود در تصویر، دارای اندام‌واره باریک و کشیده‌است.

تصویر ۳، فضای داخلی یک قلعه را با حضور چهار مرد و یک زن به نمایش گذاشته‌است. در



این تصویر، از رنگ‌های گرم و سرد استفاده شده‌است و مردهایی که در لباس کشیش ظاهر شده‌اند. ابرهای موجود در تصویر و همین‌طور ریش‌های بلند فضا را بسیار وهم‌آلود کرده و ما از فضای بیرونی نظاره‌گر حرکت مردها با ریش‌های بلندی هستیم که به صورت چرخ آن‌ها را به حرکت درمی‌آورد و همین‌طور وجود سر مرد در طاق بالایی قلعه که توسط ریش‌های بلند خود، زن را احاطه کرده و او را از زمین بلند کرده، کاملاً فضا را سوررئالیستی نموده

تصویر ۳: حرکت مودار، (wbur.org)

و ما متوجه این اسارت توسط مرد هستیم که به نگاه فمینیسم برمی گردد. در این تصویر نیز اندام‌واره زن کشیده و نحیف است و چهار پرنده را می‌بینیم که حول محیط درونی قلعه در گردشند که نشان از موجودیت مردها در قالب پرنده است.

آثار گرتروود ابر کرومبی

گرتروود ابر کرومبی (۱۹۰۹-۱۹۷۷) یک هنرمند و نقاش اهل امریکا بود. او در سال ۱۹۲۹ در دانشگاه ایلینوی تحصیلات خود را در رشته نقاشی به زبان رومانیسی به پایان رساند. پس از مطالعه نقاشی به طور خلاصه در موسسه هنر شیکاگو، یک دوره طولانی در هنر تجارتي در آکادمی هنر امریکایی در شیکاگو بود و باعث شد اولین کار خود را برای تبلیغ فروشگاه مسیرو بفرستد. از سال ۱۹۳۴ تا ۱۹۴۰ او به عنوان نقاش برای اداره پیشرفت کار خدمت کرد. او کارهای سوررئال باورنکردنی را در شیکاگو انجام داد تا زمانی که در اواخر دهه ۱۹۵۰ سلامت او به دلیل مشکلات مالی، الکل و آرتریت کاهش یافت و در ۱۹۷۷ در شیکاگو فوت کرد.



تصویر ۴: برای یک بار در زندگی، (wbur.org)

در تصویر ۴، زن مرکزیت اصلی در این تصویر می‌باشد، در این اثر، بیشتر به رنگ‌های سرد توجه شده‌است و آسمان تیره به رنگ آبی نفتی نیمه بالایی تصویر را پر کرده‌است که در اینجا نشان‌گر فضای خفقان‌گونه در آن حالت است، در سمت راست آسمان، ابری پنبه‌ای شکل و در سمت چپ ماه را می‌بینیم. پایین تصویر بیابانی به رنگ کرم خاکستری به صورت مسطح نقش شده‌است. در مرکز تصویر، بدن زنی برهنه با موهای مشکی و صاف مشاهده می‌شود که صدفی بزرگ به رنگ آبی فیروزه‌ای او را محاصره کرده‌است و پایین تنه بدن زن را پوشانده و در قسمت انتهایی صدف، شاهد حضور صورت مردی هستیم که صدف در نماد بدن مرد، بدن زن را احاطه کرده‌است. گرتروود به طور کاملاً ساده در اسارت بودن زن را در آثار خود به تصویر کشیده‌است.

در تصویر ۵، شاهد یک درخت سیاه و جغد و زن هستیم که در اینجا نیز محوریت اصلی

موضوع زن بوده‌است. تمامی رنگ‌های موجود در تصویر سرد بوده، جز زن که نقطه عطف موضوع است و لطافت و ظرافت را با رنگ گلبهی (صورتی) به نمایش گذاشته‌است. موهای زن در سوراخ کلید گیر کرده‌است و زن در حال کشیده شدن به سمت جغد که نمادی از شومی و نحسی است و موهای او، او را از رفتن به سمت جغد بازمی‌دارد. اندام‌واره زن کاملاً بلند و کشیده‌است.



تصویر ۵: بینا، (wbur.org)



تصویر ۶: آلیس در میان سوراخ کلید، (wbur.org)

در تصویر ۶، نظاره‌گر زنی هستیم که به سمت جغد همچون تسخیرشدگان در حرکت است. جغد نماد شومی و نحسی است و قرارگیری آن روی چاه آب نمادی از ضد ارزش بودن جغد است که جای ارزش‌ها را گرفته‌است. رنگ‌های سرد در تصویر در پیراهن زن و زمین و محیط اطراف در گردش است؛ به گونه‌ای که شاهد این سردی و خفقان موجود در تصویر هستیم و مسیری که زن در آن حضور دارد، نشان از این است که همه شاهد این تسخیر شدن و نحسی موجود در فضا هستند و به سمت کشتی موجود که می‌بینیم در حال گریز از این شومی هستند.

جدول ۱ نشان می‌دهد که هر دو هنرمند تحت تاثیر جامعه زمان خود در اسپانیا و امریکا به خلق آثار معرفی شده پرداختند. با توجه به اینکه هنرمندان فوق در دوره جنگ جهانی

جدول ۱: مقایسه آثار دو هنرمند، (نگارنده)

مؤلفه	رمدیوس وارو	گرترو ابر کرومبی
رنگها	رنگ گرم غالب است و نقطه رنگ سرد غالب است و نقطه عطف یعنی زن با رنگ گرم به تصویر کشیده شده است و تصویر کشیده شده است و رنگهای سرد نیز دیده می‌شود	رنگ سرد غالب است، اما نقطه عطف یعنی زن با رنگ گرم به تصویر کشیده شده است و رنگهای گرم نیز دیده می‌شود
اندام‌واره‌ها	کشیده و بلند و لاغر و نحیف است	کشیده و بلند و لاغر و نحیف است
حیوانات با نماد خاص	گره و برندگان که گره نماد نحسی و شومی و دزدی است	گره، برندگان و جغد که هر دو نماد نحسی و شومی و است
لباس زنان	لباس زنان بلند و کشیده است / در بعضی موارد برهنه	لباس زنان بلند است و روی زمین کشیده می‌شود / در بعضی موارد برهنه
لباس مردان	لباس مردان بلند و شبیه به لباس کشیش‌ها	-----
سطح زمین	در فضای داخلی قلعه و جنگل	در فضای داخلی قلعه و بیابان
المان‌های مذهبی	شمع و لباس‌های بلند مربوط به کشیش‌ها	-----
تلفیق انسان با حیوان	زن با ماهی / زن با پرنده	زن با حلزون
تلفیق انسان با اسب	مرد با گلدون / زن با قایق	زن با ستون / زن با درخت
موضوع	زن در محوریت قرار دارد و نقطه عطف کارها است	زن در محوریت قرار دارد و نقطه عطف کارها است

دوم آثار خود را کشیدند، آثارشان بی‌ارتباط با اوضاع نابسامان جنگ نبوده و همین‌طور اوج جنبش فمینیسم در زمان جنگ جهانی دوم بوده که این موضوع در آثارشان کاملاً مشهود است و اوج هنر سوررئال که در دوره ۱۹۳۰-۱۹۳۹ بوده، باعث شده تا این دو هنرمند، هنر سوررئالیستی را در آثار خود دخیل کنند و با توجه به دو نگرش سوررئالیسم و فمینیسم، آثار مفهومی مرتبط با آن‌ها را خلق کردند.

نتیجه

سوررئالیسم به سوی ادراک هماهنگ فاعل شناسا و موضوع شناسایی می‌رود و به رغم نظر رئالیست‌های قرون وسطایی، برای آن هیچ‌گونه تفاوتی بین عناصر اندیشه و عناصر جهان وجود ندارد. در واقع، نوعی رمزگشایی ذهنی دنیای خارج است و برای رسیدن به آن، روح می‌باید قدرت‌هایی را که از دست داده است، به دست آورد. زیبایی‌شناسی سوررئالیستی ادعای کشف حقیقت را دارد؛ یعنی می‌گوید حقیقت پنهان را بازمی‌شناسد؛ حقیقتی که پشت جامعه‌ای از دروغ‌ها و نیرنگ‌ها، مقاومت‌ها و پنهان‌کاری‌ها نهان شده است. یکی از روش‌های مشهور سوررئالیست‌ها در کشف حقیقت، شیوه «نگارش خودکار» بود. این شیوه ساخته و پرداخته سوررئالیست‌ها نبود. بنیان متافیزیکی کار سوررئالیست‌ها آن‌جا بهتر شناخته

می‌شود که به یاد آوریم، آن‌ها نه فقط ادعای کشف حقیقت را داشتند، بلکه مدعی شناخت و ارایه شکل درست هستی بودند. در دنیای شگرف سوررئالیست‌ها، جاذبه‌ای رازآمیز و حتی نوستالژیک را بازمی‌یابیم؛ رویکرد مبتنی بر تخیل و وهم، گرچه به زمان‌های دورتر بازمی‌گردد، ولی به صورت سبک و شیوه‌ای مشخص فقط در اواخر سده پیشین و به ویژه در میانه دو جنگ جهانی بسط و گسترش یافت و هنرمندان زیادی را تحت تاثیر خود قرار داد. آن‌چه فمینیست‌ها در هنر و زیبایی‌شناسی خود به دنبال آن بودند، دریافت تاریخی فرودستی اجتماعی زنان است و آگاهی از این‌که چگونه رویه‌های هنری در طول تاریخ، آن فرودستی‌ها را استمرار بخشیده‌است. پژوهش‌های فمینیستی بدین نتیجه دست یافتند که اموری چون نادیده کاشتن کار زنان، اندام زنان در هنرهای ترسیمی، برداشت رماتیک از بهره‌کشی جنسی از زنان در داستان‌ها، ترویج تصویری که زنان را از حوزه هنر خارج می‌دانست، عوامل اصلی ناپیدایی زنان در جهان هنر و سبب‌ساز فرودستی زنان بوده‌است. فمینیست‌ها با این اندیشه‌ها که آن‌ها را هنرهای سنتی پدرسالار می‌خوانند، به مبارزه پرداختند. در این میان، تاثیر بسیار زیادی در تاریخ هنر و زیباشناسی از خود به جای گذاشتند و به نوعی می‌توان ادعا کرد که تاریخ هنر را متحول کردند. هر چند فمینیسم در نظر مدعی احقاق حقوق زنان و حمایت از برابری، آزادی و حق تسلط بر بدن زنان است، اما این ادعا در محک عمل دچار سردرگمی و از نوعی بی‌قاعدگی مزمن رنج می‌برد. هنرمندان سوررئال تحت تاثیر جنگ جهانی دوم و اتفاقات آن دوره از تاریخ بوده‌اند. در تصویرسازی‌های دو هنرمند سوررئال، شخصیت‌های حیوانی دیده می‌شود. در آثار این دو هنرمند، اشتراکاتی دیده می‌شود؛ همچون در محوریت قرار گرفتن زن با موضوع فمینیسم. با نگاهی گذرا به آثار این دو هنرمند، می‌توان به این نتیجه رسید که رم‌دیوس وار در این دوره بیشتر تحت تاثیر هنر گرترود ابر کرومبی بوده‌است.

منابع

- احمدآبادی آرانی، نجمه؛ شکاری، عباس و احمدی هدایت، حمید. (۱۳۹۷). «تحلیل رهیافت‌های تربیتی فمینیسم مدرن و پست‌مدرن و نقد آن بر مبنای تعلیم و تربیت اسلامی». پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. ۸(۳۹). ۳۵-۵۲.
- تانگ، رزمی. (۱۳۸۷). در آمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی. ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: نی. چراغی کوتیانی، اسماعیل. (۱۳۹۰). «هنر و زیباشناسی فمینیسم». معرفت فرهنگی اجتماعی. ۳(۹).

۵۴-۲۹

دوبوار، سیمون. (۱۳۸۰). جنس دوم. ترجمه قاسم صفوی. تهران: توس.

سالکی، سعید. (۱۳۸۶). «سوررئالیسم». رشد آموزش هنر. ۵(۹). ۱۲-۱۵.

Elam, D. (1995). *Disciplining Women*. Montreal: University of Wales.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی